

تقویت حقوق و آزادی‌های متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲

محمد مهدی ساقیان*

(تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۱)

چکیده

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از الگوی جهانی دادرسی عادلانه و استفاده از مطالعات تطبیقی با اتخاذ رویکردهای نوین از نظام دادرسی تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی فاصله گرفته است. در این میان، مقررات ناظر به حقوق دفاعی متهم، تحولات مهمی داشته و توجه و حمایت از او از همان آغاز فرایند کیفری (مرحله کشف جرم) مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان در مرحله دخالت ضابطان دادگستری از جمله حقوق متهم در این مرحله است. همچنین، حقوق متهم در تحقیقات مقدماتی به مفهوم خاص (یعنی نزد بازپرس) به طور کامل متحول شده است. توافقی کردن امر تحقیق و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعوا از هدف‌های مهم قانونگذار در این قانون بوده است. به طور کلی، این نوآوری‌ها را می‌توان در دو محور تقویت حقوق دفاعی (توازن میان نفع و مصلحت عمومی و نفع و مصلحت متهم) و کاهش موارد لطمه به آزادی وی قرار داد.

واژگان کلیدی: شخص تحت نظر، تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی، اصل برابری
سلاح‌ها، اصل توافقی

مقدمه

نظام کیفری ایران، به دلیل تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی،^۱ حقوق محدودی را برای متهم پیش‌بینی کرده است. حق اعتراض به برخی از قرارهای دادرسی و امکان حضور و کیل متهم در تحقیقات (بی آنکه حق مداخله در جریان تحقیق را داشته باشد) از جمله حقوق دفاعی محدودی بود که در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ پذیرفته شده بود. با این حال، این قانون تفکیک بین مقام تعقیب، تحقیق و رسیدگی را رعایت کرده و دادستان که امر تعقیب را بر عهده داشت مجاز به دخالت در امر تحقیق نبود. در اصلاحات سال ۱۳۵۲، با توجه به تراکم پرونده‌ها در شعبه‌های بازپرسی، تحقیقات مقدماتی در امور جنحه به دادستان واگذار شد.

پس از انقلاب، قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (۱۳۷۳) با هدف مراجعه مستقیم به قاضی، این تفکیک را به‌طور کامل از بین برد و با واگذاری سه امر تعقیب، تحقیق و رسیدگی به دادرسی واحد، محدودیت‌های جدیدی را برای متهم به وجود آورد.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ نیز در مرحله تحقیقات مقدماتی محدودیت‌های تازه‌ای را برای حقوق و آزادی‌های متهم پیش‌بینی کرده است که از جمله می‌توان به امکان جلوگیری از حضور و کیل در تحقیقات مقدماتی از سوی دادرسی و افزایش موارد بازداشت اجباری اشاره کرد.

قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱ با برگرداندن دادرسی و کوشش برای جدا کردن نهاد تعقیب از تحقیق و رسیدگی کوشید که حقوق متهم را تا حدودی رعایت و مقدمه یک دادرسی منصفانه را فراهم کند. با این حال، این قانون، امر تحقیق در امور خارج از صلاحیت دادگاه کیفری استان را به دادستان و دادیار نیز واگذار کرده است. همچنین این قانون با خارج کردن بازپرس از ردیف ضابطان دادگستری، یک گام به استقلال بازپرس و تفکیک مقام تعقیب از تحقیق نزدیک شد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با تأثیرپذیری از «الگوی جهانی دادرسی عادلانه» که جزء جدایی‌ناپذیر اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ است،

۱. تحقیقات مقدماتی عبارت از مجموعه اقدامات و تحقیقاتی است که از سوی ضابطان دادگستری رأساً یا به دستور و حسب ارجاع مقامات قضائی یا از سوی بازپرسان، دادستان‌ها یا دایاران تحقیق و نیز سایر مقامات قضائی به منظور کشف، تسجیل و تمهید دلائل، اتم از دلائل اثبات جرم و دلائل مفید به حال متهم، با توجه به اصل برائت، صورت می‌پذیرد و هدف اصلی آن آماده‌سازی پرونده و تسهیل و تسریع رسیدگی در دادگاه است: محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۸۶، ص ۱۳.

تحولات فراوانی را در مورد حمایت از متهم پیش‌بینی کرده است. در این میان، مقررات ناظر به مرحله «تحقیقات مقدماتی» از این نظر که احتمال نقض حقوق دفاعی متهم در این مرحله بیشتر قابل تصور است تحولات مهمی داشته و در پی ترافیکی کردن هرچه بیشتر تحقیقات مقدماتی و دادن امکان برابر به همه طرف‌های دعواست و در نتیجه، گرایش به سوی نظام اتهامی دارد. در واقع، اگرچه نهاد قاضی تحقیق به عنوان نماد نظام تفتیشی که امر تحقیق و اداره آن را به عهده دارد حفظ شده، آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌طور کامل متحول شده است.

تلاش برای کاهش اختیارات ضابطان و دادرسان تحقیق و هم‌زمان تعیین ضمانت اجرا در مورد آنان از یک سو و تقویت تضمین‌های حقوقی، قضائی و انسانی متهم در فرایند تحقیقات مقدماتی از سوی دیگر، از ویژگی‌های مهم این نوآوری است. برای مثال، متهم حق ملاقات با وکیل و پزشک و تماس تلفنی با بستگان خود در مرحله دخالت ضابطان و نیز بهره‌مندی کامل از وکیل مدافع، مطالعه پرونده کیفری و تفکیک مقام تعقیب از تحقیق از حقوقی است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی، هنگام دخالت بازپرس دارا شده است.^۱

با وجود این، برخی ویژگی‌های نظام دادرسی تفتیشی در مرحله مقدماتی همچنان حفظ شده است. برخی تحولات مثبت در این مرحله که در حقوق برخی کشورها در طول سال‌های اخیر صورت گرفته، مورد توجه تصمیم‌گیرندگان سیاست‌جنایی ایران قرار نگرفته است. بدین ترتیب، ضمانت اجرای «بطلان» به‌عنوان قاعده‌ای عمومی در مواردی که لطمه اساسی به یکی از حقوق متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وارد می‌شود در مقررات قانون آیین دادرسی کیفری جدید پیش‌بینی نشده است. همچنین، این قانون برخلاف اصل ترافیکی، بازپرس را مکلف نکرده است که قراری مستدل در مواردی صادر کند که وی درخواست متهم را برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می‌کند رد می‌نماید.

در این نوشتار، ابتدا تقویت حقوق دفاعی متهم (الف) و سپس کاهش موارد لطمه به آزادی وی (ب) در مرحله تحقیقات مقدماتی بررسی می‌شود.

۱. تقویت حقوق دفاعی متهم

در قوانین آیین دادرسی کیفری ایران، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، حقوق دفاعی تعریف نشده است. حقوق دفاعی متهم را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مجموعه امتیازاتی که به‌موجب آن

۱. در این نوشتار، تحقیقات مقدماتی در معنای موسع، مورد نظر بوده و هم‌زمان شامل اقدامات ضابطان دادگستری و بازپرسان می‌شود.

برای متهم امکان مؤثر دفاع از خود در فرایند رسیدگی کیفری تضمین می‌شود». (Comu, 2008, 149)
 بر پایه این تعریف، حقوق دفاعی متهم، حق داشتن وکیل به‌عنوان برجسته‌ترین حق دفاعی (۱) و سایر حقوق دفاعی (۲) مانند حق مداخله در امر تحقیق و مطالعه پرونده کیفری را شامل می‌شود.

۱-۱. حق داشتن وکیل

در قوانین آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و ۱۳۷۸، حضور وکیل برای متهم، تنها و به‌صورت محدود، نزد بازپرسان و دادیاران تحقیق پیش‌بینی شده، ولی این امر در مرحله کشف جرم (یعنی نزد ضابطان دادگستری) پذیرفته نشده است. قانون جدید با پیروی از حقوق فرانسه، امکان حضور وکیل متهم را نه تنها نزد بازپرس، بلکه هنگام تحت نظر قرار گرفتن نزد ضابطان نیز پذیرفته است.

الف. حضور وکیل در مرحله تحت نظر

امکان حضور وکیل در مدت تحت نظر قرار گرفتن، یکی از موضوع‌های مورد بحث میان حقوق دانان در نظام‌های مختلف است. ضابطان دادگستری با این استدلال که حضور وکیل، امکان کشف حقیقت را با مشکل روبه‌رو می‌سازد، حضور وکیل را در این مرحله ضروری نمی‌دانند. (pradel, 1995, 169) ماده ۴۸ قانون جدید، امکان ملاقات وکیل با شخص تحت نظر را به مدت یک ساعت و در ابتدای شروع تحت نظر قرار گرفتن، پیش‌بینی کرده است. ولی این ماده دو محدودیت را در این مورد در نظر گرفته است:

نخست، ضابطان دادگستری حق جلوگیری از حضور وکیل را در موارد محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات دارند.^۱ دوم، در مورد جرم‌های مهم مانند جرم‌های سازمان‌یافته یا جرم‌های ضد امنیت داخلی و خارجی، حق ملاقات با وکیل در ابتدای تحت نظر وجود نداشته و وکیل فقط مجاز است که پس از سپری شدن یک هفته از شروع تحت نظر با موکل خود ملاقات کند. بی تردید، پیش‌بینی چنین مواردی در واقع به معنای اولویت دادن نظم عمومی و حمایت از

۱. گفتنی است در مواردی که ضابطان تشخیص دهند ملاقات با وکیل با محرمانه بودن تحقیقات و مذاکرات در تعارض است باید مراتب را برای اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

جامعه است. انجام تحقیقات محرمانه اولیه و سرعت عمل در حفظ دلایل آثار جرم و جلوگیری از آثار سوء جرم ارتكابی در جرم‌های سازمان‌یافته، محدود کردن حضور و کیل متهمان جرم‌های امنیتی را در این مرحله توجیه می‌کند. پیروی از «رویکرد امنیت‌مدار» بر محرومیت حضور و کیل مدافع تا مدتی پس از شروع تحت‌نظر در جرایم مورد اشاره، زیر عنوان «آیین دادرسی کیفری ویژه» در بیشتر نظام‌های آیین دادرسی کیفری از جمله فرانسه به گونه‌ای که ملاحظه خواهد شد، پذیرفته شده است.

حق ملاقات و کیل در مرحله تحت‌نظر را با توجه به مقررات ماده ۴۸ از دو منظر می‌توان بررسی کرد: زمان دخالت و کیل و شکل و مدت ملاقات با و کیل.

۱) زمان دخالت و کیل

در حقوق فرانسه، دخالت و کیل در آغاز (از ژانویه تا دسامبر ۱۹۹۳) به شکل قاعده‌ای کلی از بیستین ساعت تحت‌نظر پذیرفته شد. ولی در کنار این مقرر عمومی، دو مورد ویژه هم به‌طور استثنایی تصویب شد: نخست، کودکان تحت‌نظر، حق ملاقات با و کیل را از شروع تحت‌نظر دارا شدند (قوانین ژانویه و اوت ۱۹۹۳)؛ دوم، درمورد پاره‌ای از جرم‌های مهم، دخالت و کیل فقط پس از سی و ششمین ساعت (جرم‌هایی مانند شرکت در گروه‌های بزهکاری با سرقت و تخریب یا شرکت در گروه‌های سازمان‌یافته) یا هفتاد و دومین ساعت (تروریسم و جرم‌های مواد مخدر) امکان‌پذیر است. درمورد اخیر، قانونگذار فرانسه، مأموران پلیس را مکلف کرده تا دادسرا را از ماهیت این جرم‌ها آگاه کرده تا در صورت بررسی و تأیید دادسرا، محدودیت زمانی ملاقات شخص تحت‌نظر با و کیل اعمال شود. بر پایه اصلاحات سال ۲۰۱۱ در فرانسه، افزایش مدت تحت‌نظر در جرم‌های ضد اموال، اشخاص و امنیت عمومی، چنانچه دارای ویژگی سازمان‌یافته باشند به‌طور استثنایی تا مدت یک‌صد و چهل و چهار ساعت در صورت خطر قریب‌الوقوع اقدام تروریستی امکان‌پذیر است.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ دخالت و کیل را با الهام از حقوق فرانسه بی‌درنگ پس از شروع تحت‌نظر قرار گرفتن متهم مورد توجه قرار داده است. ولی تبصره ماده ۴۸ این قانون نیز در پاره‌ای از جرم‌های مهم، حضور و کیل و بهره‌مندی از مشورت با او را با شروع تحت‌نظر نپذیرفته است: «اگر شخص به علت اتهام ارتكاب یکی از جرایم سازمان‌یافته یا جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روان‌گردان یا جرایم موضوع

بندهای (الف)، (ب) و (پ) ماده (۳۰۲) این قانون، تحت نظر قرار گیرد، تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد.

بدین ترتیب، ملاحظه می شود اولاً، محرومیت موقت از حق ملاقات با وکیل در همه جرائم مذکور در تبصره ماده ۴۸ یکسان بوده و قانونگذار، هیچ گونه تفکیکی را در خصوص این جرائم از حیث محرومیت از حق ملاقات قائل نشده است.^۱ ثانیاً، ممانعت از ملاقات شخص با وکیل مدافع در جرائم مزبور، تنها بر اساس ماهیت آن‌ها صورت می گیرد و این محرومیت، مبتنی بر ضرورت‌های تحقیق یا شرایط و اوضاع و احوال خاص مربوط به هر پرونده نیست. افزون بر این به نظر می رسد محدودیت حضور وکیل مدافع در مقررات مورد اشاره، جنبه الزام آور داشته و بنابراین ضابطین مجاز هستند از حضور وکیل جلوگیری نمایند. بدین ترتیب، برخلاف حقوق فرانسه که تأخیر در حق ملاقات با وکیل جنبه الزام آور نداشته و در صورت تأیید دادسرا، این محدودیت زمانی اعمال می شود، مقررات تبصره ماده ۴۸ متعرض لزوم دستور دادسرا در خصوص منع ملاقات وکیل در جرائم مورد نظر نشده است.

۲) شکل و مدت ملاقات با وکیل

در حقوق فرانسه، مدت ملاقات با وکیل ۳۰ دقیقه در ابتدای تحت نظر پیش بینی شده است. چنانچه مدت تحت نظر از ۲۴ ساعت تجاوز کرد شخص تحت نظر، حق ملاقات با وکیل خود را برای ۳۰ دقیقه دیگر دارد.

در ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، مدت ملاقات وکیل با شخص تحت نظر با رعایت حفظ اسرار حرفه‌ای حداکثر یک ساعت تعیین شده و برخلاف حقوق فرانسه، این مدت به دو زمان نیم ساعته تقسیم نشده است. با توجه به عبارت‌های به کار رفته در این ماده، که تنها حق ملاقات ساده شخص تحت نظر با وکیل مدافع را پیش بینی نموده است، در نگاه نخست باید گفت که وکیل در این مرحله حق مطالعه پرونده را نداشته و نمی تواند در امر بازجویی دخالت کند. ولی بر پایه مقررات ماده ۶۱ این قانون، تمام اقدام‌های ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقررات است.

۱. گفتنی است این تفکیک در حقوق فرانسه رعایت شده است. بر این اساس در موارد جنبه‌ها و جنایات بانندی و سازمان یافته، مداخله وکیل می تواند برای حداکثر ۴۸ ساعت و در موارد جنبه‌ها و جنایات قاچاق مواد مخدر و اعمال تروریستی برای حداکثر ۷۲ ساعت به تعویق افتد. (ماده ۷۳-۷۰۶ ق.آ.د.ک.ف)

بدین سان، با توجه به اینکه حق دخالت و کیل در مرحله تحقیقات مقدماتی (ماده ۱۹۰) و مطالعه پرونده کیفری توسط وی (ماده ۱۹۱) پیش‌بینی شده است، شخص تحت‌نظر نیز حقوق مورد اشاره در مرحله تحت‌نظر را دارد. با وجود این به‌منظور رعایت الزام‌های مربوط به نظم و امنیت عمومی، وکیل شخص تحت‌نظر، حق افشای اطلاعات مربوط به مطالعه صورت‌جلسات پرونده‌های تحقیقاتی را نخواهد داشت.

ماده ۴۸ یادشده، سخنی از ضرورت تفهیم حق داشتن وکیل به متهم در ابتدای مرحله تحت‌نظر به میان نیاورده است. با وجود این، به نظر می‌رسد که داشتن حق ملاقات با وکیل باید در ابتدای تحت‌نظر به شخص تفهیم شود زیرا بر پایه ماده ۵۲ این قانون، «هرگاه متهم تحت‌نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلف‌اند حقوق مندرج در این قانون در مورد شخص تحت‌نظر را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند». افزون بر این، در راستای اجرای مقررات ماده ۶۱، ضابطان نیز همانند بازپرس (ماده ۱۹۰) مکلف‌اند که حق داشتن وکیل را به شخص در آغاز مرحله تحت‌نظر تفهیم کنند.

عدم تفهیم این حق توسط ضابطان دادگستری در شروع تحت‌نظر در قانون جدید ضمانت اجرا ندارد و ضابطان را حتی با محکومیت موقت از انفصال خدمت موضوع ماده ۶۳ این قانون روبه‌رو نمی‌سازد.^۱ با وجود این، با توجه به تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، این مسئله را می‌توان از جمله مواردی دانست که لطمه اساسی به حقوق و منافع متهم وارد می‌سازد و از این رو می‌توان اقدام‌های ضابطان را بدون رعایت تفهیم این حق اساسی بی‌اعتبار دانست.

این پرسش درباره ماده ۴۸ مطرح است که آیا آگاه کردن شخص تحت‌نظر از این حق و دعوت وکیل وی کافی است و ضابطان می‌توانند قبل از رسیدن وکیل، بازجویی خود را آغاز کنند؟ ضابطان بر اساس این ماده فقط مکلف به تماس با وکیل شخص تحت‌نظراند ولی تکلیفی در مورد نتیجه این تماس یعنی حضور یا عدم حضور وکیل در این ماده بیان نشده است زیرا وکیل، گاهی امکان مراجعه به کلانتری را نداشته و گاهی تمایل به این کار ندارد.

رویه قضایی پیشین فرانسه نیز چنین رویکردی داشت. ولی در اصلاحات سال ۲۰۱۱، قانونگذار فرانسه با در نظر گرفتن عامل‌های جغرافیایی و انسانی و به‌منظور تلفیق کارآیی حق دفاع متهم و وظیفه پلیس (کشف حقیقت)، مهلتی دوساعته برای حضور وکیل مدافع پیش‌بینی کرده

۱. به‌موجب ماده ۶۳ «تخلف ضابطین دادگستری از مقررات مواد ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۹، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۵، ۵۹، ۱۴۱ این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است».

است (بنده ماده ۲-۴-۶۳). بدین ترتیب، در مواردی که شخص تحت نظر، حضور و کیل خود را در مدت تحقیقات درخواست کند، شروع بازجویی تا قبل از سپری شدن مدت دو ساعت امکان پذیر نخواهد بود. بر پایه ماده ۴۸ و کیل در پایان مدت تحت نظر می تواند ملاحظه های کتبی خود را برای درج در پرونده ارائه کند. این ملاحظه ها می توانند درخواست استماع اظهارات شاهد یا انجام بازرسی و حتی اظهارات درباره وضعیت سلامتی موکل خود باشد.

نکته دیگر اینکه، وقتی ضابطان پس از آگاه ساختن و کیل، مبادرت به بازجویی از شخص تحت نظر می کنند، مکلف اند که به محض رسیدن و کیل وی، بازجویی را متوقف و امکان ملاقات او با شخص تحت نظر را فراهم کنند زیرا با حضور و کیل، امکان ملاقات وی با شخص فراهم گشته و هرگونه تأخیر در اجرای حق مذکور، یک امر استثنائی تلقی می شود و نیازمند دستور کتبی و موجه دادستان است.

افزون بر این در مواردی که شخص، تحت نظر قرار می گیرد و پس از ملاقات با وکیل خود آزاد می شود ولی دوباره برای همان اتهام تحت نظر قرار می گیرد یا اینکه مدت تحت نظر تمدید می شود، حق ملاقات دوباره این شخص با وکیل خود در ابتدای مرحله جدید تحت نظر به قوت خود باقی خواهد بود. در تأیید این نظر می توان گفت که تحت نظر قرار گرفتن دوباره متهم، مرحله ای جدید است که در این مرحله هم، متهم از همه حقوق دفاعی خود از جمله حق ملاقات با وکیل برخوردار است. (pradel, 2001, 1115) سرانجام، وکیل شخص تحت نظر می تواند در آغاز تحت نظر به گونه ای خصوصی با موکل خود ملاقات و مذاکره کند و از علت اتهام آگاه شود و ضابطان با توجه به محرمانه بودن این ملاقات، حق حضور و دخالت در این مدت را نخواهند داشت. در عمل، ضابطان باید محلی را به منظور ملاقات خصوصی در اختیار شخص تحت نظر و وکیل وی قرار دهند. (Guinchard et Buisson 2012, 695)

بی تردید رعایت حقوق متهمین در این مرحله، بستگی به آموزش های خاص انتظامی و قضائی ضابطین دادگستری و آگاهی آنان نسبت به مقررات آیین دادرسی کیفری در مرحله کشف جرم دارد. (مؤذن زادگان، ۵۳۷، ۱۳۹۲)

۲-۱. حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، با هدف توافقی نمودن تحقیقات مقدماتی، نوآوری هایی را در مورد حق متهم برای داشتن وکیل پیش بینی کرده است که در زیر به آن ها اشاره می شود.

الف. تجویز حق داشتن وکیل بدون محدودیت

قانون جدید، حضور وکیل را در مرحله تحقیقات مقدماتی و دفاع وی از متهم را بی‌قید و شرط پذیرفته است. بر پایه ماده ۱۹۰ این قانون، «متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیقات توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شود، این حق در برگه احضاریه قید و به وی ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت مجلس نوشته می‌شود».

در این قانون، محدودیت‌های مربوط به حق دفاع متهم از جمله منع ورود وکیل در موضوع‌هایی که جنبه محرمانه دارند یا به تشخیص دادرس موجب فساد می‌شوند و نیز جرم‌های ضد امنیت کشور (که در تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری^۱ ۱۳۷۸ پیش‌بینی شده‌اند) حذف شده است و متهمان می‌توانند به شکل مطلق در تحقیقات مقدماتی نزد بازپرس، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد.

ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ فقط حضور وکیل در بازپرسی را پذیرفته و وی را از هرگونه دخالت در تحقیق منع کرده است. چنانچه وکیل، توضیح یا ادای مطالبی را ضروری تشخیص دهد، می‌تواند آن را در پایان تحقیقات توضیح دهد و بازپرس مکلف به درج آن در صورت‌جلسه تحقیقات است. قانون جدید، در جهت تأمین حقوق متهم و ترافعی شدن تحقیقات مقدماتی، مداخله فعال وکیل را در امر تحقیق پذیرفته است. در این چارچوب، ماده ۱۹۰ این قانون با حذف عبارت «...وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق و پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام کند...» وکیل را مجاز دانسته که با آگاه شدن از اتهام و دلایل آن، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند در طول مدت تحقیق اظهار کند.

وانگهی، تبصره ماده ۱۹۵ این قانون، حق دخالت وکیل در امر تحقیق را آشکارا یادآوری کرده است: «وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به

۱. تبصره ماده ۱۲۸ قانون آیین دادرسی مقرر می‌دارد: «در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت ملی کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود».

بازپرس تذکر دهد». بدین سان، قانون جدید با پیش‌بینی حق دخالت کامل و کیل در این مرحله از یک سو از سرّی بودن تحقیقات نسبت به متهم کاسته و از سوی دیگر به ترافیعی بودن تحقیقات که از ویژگی‌های نظام اتهامی به شمار می‌رود افزوده است.

ب. تکلیف بازپرس مبنی بر تفهیم حق داشتن وکیل به متهم

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ با الهام از قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، بازپرس را مکلف به تفهیم حق داشتن وکیل به متهم کرده است. ماده ۱۹۰ این قانون با عبارت «...این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود...» بر لزوم تفهیم این حق به متهم تأکید کرده است.

با وجود این، در مواردی که متهم وکیل معاضدتی درخواست کند، بازپرس مکلف به تعیین وکیل از طریق کانون وکلا نشده است. به نظر می‌رسد که مواد ۱۵ و ۱۶ این قانون به‌عنوان اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری، حق دسترسی به وکیل و فراهم کردن سازوکارهای رعایت و تضمین این حق را در همه مرحله‌های فرایند کیفری پیش‌بینی کرده است. بدین سان، باید حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل رایگان را در این مرحله نیز به رسمیت شناخت.

افزون بر این، خبرگان قانون اساسی در چارچوب اصل سی و پنجم و نویسندگان قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳) در قسمت ۷ بند (ز) ماده ۱۳۰ به دخالت وکیل و تهیه سازوکارهای تعیین وکیل رایگان برای متهمان در تمام مراحل فرایند کیفری تأکید کرده‌اند.^۳

ج. پیش‌بینی ضمانت اجرا برای عدم تفهیم حق داشتن وکیل به متهم

قانونگذار در چارچوب حمایت مؤثر از حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی، ضمانت اجرای بطلان را پیش‌بینی کرده است. بر پایه تبصره ماده ۱۹۰ قانون

۱. ماده ۵: متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

۲. ماده ۶: متهم و بزه‌دیده، شاهد و سایر افراد ذی‌ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

۳. ن. ک: نیازپور، امیرحسین. (۱۳۹۲). حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه‌ای از حقوق شهروندی. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، ص ۹۳.

آیین دادرسی کیفری، «سلب حق همراه داشتن و کیل یا عدم تفهیم این حق به متهم، موجب بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی می‌شود». بدین ترتیب، ضرورت بازجویی از متهم در حضور وکیل به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق دفاعی متهم، همانند قانون آیین دادرسی کشور فرانسه (بند ۱ ماده ۱۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری) مورد توجه قرار گرفته است. رعایت نکردن این مقررات از دیدگاه قانونگذار از جمله مواردی است که حقوق و منافع ذی‌نفع را نادیده می‌گیرد و به استناد تبصره یادشده از موارد بی‌اعتباری تحقیقات انجام‌شده تلقی شده است.

قانونگذار ایران در گذشته، در راستای حمایت از حق دفاع متهم مبنی بر داشتن وکیل، ضمانت اجرای «بطلان» حکم صادره و نه «بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی» را پیش‌بینی کرده بود. ماده ۳۶۸ قانون اصول محاکمات جزایی (۱۲۹۰ خورشیدی) سلب حق تعیین وکیل از متهم را موجب بطلان حکم انگاشته بود. افزون بر این، بر پایه مقررات ماده واحده، انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوا مصوب ۱۳۷۰، سلب حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری سبب بطلان حکم صادره می‌شود. در چنین رویکردی، تحقیق از متهم، جز در موردی که او آشکارا از آن صرف‌نظر کند فقط در حضور وکیل انتخابی یا معاضدتی او امکان‌پذیر است.

۲. سایر حقوق دفاعی متهم

نظام کیفری ایران اکنون به علت تفتیشی بودن تحقیقات مقدماتی، حقوق دفاعی قابل‌توجهی را برای متهم پیش‌بینی نکرده است. برای مثال، در این مرحله، نه فقط حق استفاده از پرونده تحقیقات مقدماتی به‌وسیله وکیل پیش‌بینی نشده، بلکه هیچ‌گونه الزام قانونی برای قاضی تحقیق درمورد پذیرش درخواست وکیل برای انجام تحقیق خاصی که به کشف حقیقت کمک می‌کند وجود ندارد. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بر جنبه‌های توافقی تحقیقات مقدماتی افزوده است. ولی این امر فقط از گذر امکان دسترسی متهم و وکیل وی به پرونده کیفری رعایت شده است (۲-۱) و حق درخواست هر اقدام و تحقیقی که به کشف حقیقت کمک کند به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی متهم و شاکی مورد نظر قرار نگرفته است (۲-۲).

۲-۱. حق مطالعه پرونده کیفری

حق دسترسی متهم به پرونده کیفری از طریق وکیل از مهم‌ترین جلوه‌های دادرسی منصفانه به شمار می‌آید. این حق که به توافقی شدن تحقیقات مقدماتی منجر می‌شود امکان تدارک دفاعی

مناسب برای متهم و وکیل وی را فراهم می‌سازد. در گستره سیاست جنائی ایران، ابتدا ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۰ در حالی که حق حضور در مرحله تحقیقات مقدماتی و گرفتن کپی از اوراق پرونده را برای بزه‌دیده در نظر گرفته بود، متهم را از این امتیاز مهم محروم کرده بود. در واقع، هر چند این ماده درباره حق دسترسی بزه‌دیده به پرونده ساکت بود، رویه قضائی با تفسیر گسترده این مقررات به نفع وی، چنین حقی را برای بزه‌دیده قائل شده بود.^۱

پس از انقلاب اسلامی، ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری از یک سو با افزودن قید «منافی با محرمانه بودن تحقیقات» و از سوی دیگر، حذف قید حق «حضور در تحقیقات»، حدود و اختیارات شاکی در مورد دسترسی به اوراق پرونده را محدود کرده است. از نظر برخی از حقوق دانان (آشوری ۱۳۸۳، ۹۵)، این تغییرها در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعوا نیست، بلکه با هدف سری کردن هر چه بیشتر تحقیقات مقدماتی صورت گرفته است. برعکس، بر پایه نظریه اکثریت اعضای کمیسیون معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه، محدود کردن این اختیارات در جهت رعایت برابری میان طرف‌های دعواست.^۲ بدین ترتیب، اکنون شاکی خصوصی در مورد دسترسی به پرونده حق‌هایی دارد که معادل آن‌ها برای متهم وجود ندارد.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای اولین بار در جهت رعایت برابری طرف‌های دعوا، مطالعه پرونده امر قبل از هر تحقیق توسط متهم و وکیل وی را مجاز شمرده است. بر پایه ماده ۱۹۱ این قانون، «چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، یا موضوع از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور باشد با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و تصمیم‌گیری کند».

۱. کمیسیون مشورتی آیین دادرسی کیفری اداره حقوقی وزارت دادگستری در جلسه مورخ ۱۳۴۲/۲/۱۹ چنین اظهار نظر کرده است: «از صراحت ماده ۶۷ قانون آیین دادرسی کیفری دایره به اینکه شاکی حق دارد در تحقیقات حضور به هم رساند و شهود و دلایل خود را اظهار دارد و سواد صورت تحقیقات و قرارهای مستنطق را بگیرد، به قیاس الویت مسلم است که حق مطالعه پرونده نیز برای شاکی و وکیلش محفوظ است و دلیلی هم بر انحصار این حق به صورت تحقیقات از شهود نیست و اصولاً خلاف منطقی و موازین حقوقی است که شاکی را که صاحب حق و متضرر از جرم و منتفع در تعقیب متهم است و دخالت او در جهت تقویت دعوی عمومی است از حق مطالعه پرونده ممنوع داشت. بنابراین شاکی و وکیل او حق دارند تمام تحقیقات را مطالعه کرده از آن رونوشت بگیرند». نشریه هفته دادگستری؛ شماره ۸، به نقل از: محسنی، مرتضی؛ کلانتریان، مرتضی؛ مجموعه نظرات مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری در زمینه مسائل کیفری، مسئله ۳۰۶.

۲. بر پایه این نظریه، «چون حق مطالعه پرونده به متهم داده نشده در جهت رعایت حقوق طرف‌ها، شاکی و یا وکیل او صرفاً در حدود اجازه موضوع ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی کیفری و نسبت به برخی اوراق پرونده مجاز به مطالعه آن است». به نقل از: شاملو احمدی، محمدحسین. (۱۳۸۴). پیرامون دادرسی. تهران: دادیار.

بدین ترتیب، مطالعه یا دسترسی متهم به پرونده، چنانچه با ضرورت کشف حقیقت منافات نداشته باشد یا موضوع از جرم‌های علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور نباشد امکان‌پذیر است. با وجود این، امکان جلوگیری از مطالعه پرونده توسط وکیل متهم، هنگامی مقدور است که بازپرس با ذکر دلیل قرار عدم دسترسی به اوراق پرونده را صادر نماید و این قرار پس از اعتراض متهم یا وکیل وی در دادگاه صلاحیت‌دار تأیید شود.

در حقوق فرانسه، فقط وکیل متهم - نه خود او - حق مطالعه پرونده را دارد. بر پایه بند ۳ ماده ۱۱۴ قانون آ.د. ک.ف، پس از نخستین حضور متهم نزد بازپرس یا نخستین استماع مدعی خصوصی از سوی وی، پرونده در همه وقت به جز روزهای تعطیل در اختیار وکیلان طرف‌ها قرار می‌گیرد. افزون بر آن، بند ۴ قانون یادشده، حق تهیه رونوشت از برخی اوراق پرونده را از سوی وکیلان برای ارائه آن‌ها به موکلان خود پیش‌بینی کرده است. وکیلان باید فهرستی از اوراق پرونده را که موکلان آنان مایل به تهیه رونوشت از آن‌ها هستند و به اطلاع بازپرس برسانند. بازپرس موظف است که طی مدت ۵ روز به این درخواست پاسخ دهد. عدم پاسخ در این مهلت به معنای اجازه ضمنی بازپرس در مورد ارائه کپی اوراق به موکلان است. در عوض، چنانچه بازپرس با این درخواست مخالفت کرد، باید قراری مستدل و موجه صادر کند. این قرار، طی مهلت ۲ روز اعتراض‌پذیر در شعبه تحقیق بوده و رئیس شعبه، طی مهلت ۵ روز به این اعتراض رسیدگی می‌کند (بند ۸). این اوراق فقط برای استفاده موکلان بوده و ارائه آن‌ها به اشخاص دیگر ممنوع است. انتقال اوراق به اشخاص دیگر، وکیل مدافع را در معرض مجازات نقدی ۳۷۵۰ یورو قرار می‌دهد.

بی‌تردید، این مقررات به منظور تحقق بخشیدن به هدف آیین دادرسی کیفری، ایجاد توازن در ضرورت کشف حقیقت (مصلحت کیفری) و حق داشتن وکیل (مصلحت اجتماعی) پیش‌بینی شده است. همچنین، به موجب این مقررات در حقوق فرانسه، وکیلان طرف‌ها دیگر دسترسی محدود به پرونده ندارند، بلکه دارای امکان دسترسی همه‌وقت و همیشگی به پرونده‌اند. وانگهی، دسترسی وکیلان به کل پرونده و همه اوراق و محتویات آن مربوط است. بنابراین نمی‌توان وکیلان طرف‌ها را از مطالعه برخی از اوراق پرونده منع کرد. بر پایه نظر دیوان عالی کشور فرانسه، اگر از تاریخ مطالعه پرونده تا تاریخ بازجویی، اوراق جدیدی به پرونده افزوده شود، بازپرس بدون آگاه کردن ذی‌نفع یا وکیل وی از این اوراق یا بدون رضایت آنان (5 juin 1.756 crim.) نمی‌تواند به آن‌ها استناد کند. از منظر رویه قضایی، انجام‌دادن این تکلیف، بطلان تحقیقات مقدماتی را به همراه خواهد داشت. (14. Bull. Crim. 1958 . 26 juillet crim.)

۲-۲- حق دخالت در تحقیقات مقدماتی

از زمان تصویب مقررات آیین دادرسی کیفری در ایران تاکنون، به نظر می‌رسد که درخواست انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت به منزله حقی برای طرف‌های دعوا شناخته نشده است.^۱ بنابراین، هر چند منعی در مورد درخواست انجام برخی تحقیقات از جمله استماع شهادت شهود، مواجهه حضوری، کارشناسی یا معاینه محلی از سوی طرف‌های دعوا وجود ندارد، تکلیف نیز برای دادرسان تحقیق در پذیرش این درخواست‌ها وجود ندارد. برای نمونه، در مورد معاینه‌های محلی، بر پایه ماده ۷۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۷۸، دادرس تحقیق تکلیفی به اعلام جریان امر به طرف‌های دعوا نداشته و عدم حضور آنان، مانع انجام دادن معاینه محلی یا تعویق آن نیست. ماده ۱۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ یکی از موارد اقدام به تحقیقات محلی توسط بازپرس را درخواست متهم یا شاکی دانسته است. با وجود این، به نظر نمی‌رسد که بازپرس، مکلف به پذیرش این گونه درخواست‌ها باشد زیرا وی در صورت رد درخواست متهم، مکلف به صادر کردن قراری موجه و مستدل که بتواند در دادگاه صلاحیت‌دار به آن اعتراض کرد، نشده است. حق درخواست انجام تحقیقات لازم برای کشف حقیقت در مورد طرف‌های دعوی کیفری به گونه‌ای یکسان رعایت نمی‌شود. در مورد دادستان، ماده ۲۶۶ این قانون مقرر می‌دارد که «چنانچه دادستان، تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هر گونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام تحقیقات است». بدین ترتیب، قانونگذار با نادیده گرفتن ضرورت «تساوی سلاح‌ها»، حق‌هایی را در این باره برای دادستان پیش‌بینی کرده است که معادل آن‌ها برای متهم و شاکی وجود ندارد.

۲-۳- حق اعتراض به جریان رسیدگی

از دیدگاه حقوق مقایسه‌ای، متهم در مورد تصمیم‌ها و اقدام‌های بازپرس در مرحله تحقیقات مقدماتی به دو شکل می‌تواند عمل کند: اعتراض به این تصمیم‌ها و اقدام‌ها و درخواست بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی.

۱. گفتنی است که قانونگذار ایران درخواست انجام برخی از تحقیقات از سوی طرف‌های دعوا را در مرحله رسیدگی پذیرفته است. بر پایه ماده ۱۹۱ ق.آ.د.ا.ک، «هرگاه متهم یا مدعی خصوصی تقاضا کند از شخص یا اشخاصی که در دادگاه حضور دارند تحقیق شود هر چند قبلاً احضار نشده باشند دادگاه تحقیقات لازم را از آنان به عمل می‌آورد».

حق اعتراض به برخی قرارهای بازپرس، هم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ و هم قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، موسوم به «قانون احیاء دادرها» پیش‌بینی شده است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۲۹۰ برای متهم، حق اعتراض به برخی از قرارهای صادره دادسرا را قائل شده بود (ماده ۱۷۰). با اجرایی شدن قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۷۳، بازپرس و دادیار تحقیق، حذف و صدور قرارهای موردنظر به قاضی دادگاه واگذار شد. با احیاء دادسرا در سال ۱۳۸۱، بند (ن) ماده ۳ قانون مزبور، قرارهای صادره از سوی بازپرس و دادیاران تحقیق را که متهم می‌تواند نسبت به آن‌ها اعتراض کند برشمرده است. این قرارها عبارت‌اند از عدم صلاحیت، بازداشت موقت، تشدید تأمین و تأمین خواسته.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای ترافی شدن هرچه بیشتر تحقیقات مقدماتی، بازپرس را در برخی موارد مکلف به صدور قرارى موجّه و قابل اعتراض توسط متهم دانسته است. برای مثال، بر پایه ماده ۱۹۱ این قانون، چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق، اسناد یا مدارک پرونده را با ضرورت کشف حقیقت منافی بداند، مکلف است با ذکر دلیل، قرار عدم دسترسی به آن‌ها را صادر کند. این قرار حضوری به متهم یا وکیل وی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صلاحیت‌دار است. بدین‌سان، این ماده، بازپرس را مکلف به صادر کردن قرارى موجّه و مستدل مبنی بر عدم دسترسی متهم به پرونده کرده است تا شاید بتوان با اعتراض به چنین قرارى و با اعمال کنترل دادگاه صلاحیت‌دار به رعایت اصل ترافی امیدوار شد.

ضمانت‌اجرای بطلان و بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی در آیین دادرسی کیفری قبلی به‌طور استثنایی مشاهده می‌شود؛ بدین ترتیب که اگر یک اقدام تحقیقی بدون رعایت تشریفات خاصی انجام شود، آن تحقیق اعتبار ندارد. برای نمونه، بر پایه بند ۹ قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی ۱۳۸۳، هرگونه شکنجه متهم به‌منظور اخذ اقرار یا اجبار او به امور دیگر، ممنوع است و اقرارهای گرفته‌شده بدین وسیله، حجیت شرعی و قانونی ندارد. (رجوع کنید به اصل ۳۸ قانون اساسی).

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای تقویت حقوق متهم در برخی موارد، امکان استناد به بطلان و بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی را پیش‌بینی کرده است. همان‌گونه که ملاحظه شد، تبصره ماده ۱۹۰ این قانون، سلب حق همراه‌داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم را موجب بی‌اعتباری تحقیقات دانسته است. در همین چهارچوب، در ماده ۶۰ این قانون نیز یک مورد دیگر ضمانت‌اجرای بطلان درمورد حق متهم پیش‌بینی شده است که ناظر به منع اجبار یا

اکراه متهم و استفاده از کلمات موهن، طرح پرسش‌های تلقینی یا اغفال‌کننده و پرسش‌های خارج از موضوع اتهام در طول مدت بازجویی توسط ضابطان دادگستری است. با این همه، در قانون جدید نیز همانند مقررات قبلی، ضمانت اجرای بطلان به‌عنوان یک قاعده عمومی در موارد عدم رعایت حقوق متهمین مورد توجه قرار نگرفته است. از دیدگاه حقوق تطبیقی، کشور فرانسه برای ضمانت اجرای بطلان و بی‌اعتباری تحقیقات مقدماتی به‌عنوان یکی از حقوق دفاعی، اهمیت ویژه‌ای قائل شده است. علاوه بر ماده ۱۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری که به موجب آن، عدم رعایت تشریفات اساسی پیش‌بینی شده در مقررات این قانون و سایر مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری که به منافع طرف‌های دعوا لطمه وارد می‌سازد، باطل تلقی می‌شود. رویه قضایی نیز در صورتی که یک اقدام تحقیقی بدون رعایت تشریفات خاص انجام شود که لطمه به منافع طرف‌های دعوا را همراه دارد، می‌تواند آن را بی‌اعتبار اعلام کند.

ب) کاهش موارد لطمه به آزادی متهم

در کنار تحولات مهمی که در مورد حقوق دفاعی متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی به آن اشاره شد، حق آزادی و امنیت متهم در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز از چند منظر تقویت شده است: نخست، نهادینه‌شدن تحت‌نظر از گذر پیش‌بینی پاره‌ای حقوق اساسی برای متهم. دوم، کاهش موارد بازداشت موقت و پیش‌بینی قرارهای نظارت قضایی؛ و سرانجام، جبران خسارت مدت بازداشت موقت.

۱- محدودیت تحت‌نظر قراردادن متهم از سوی ضابطان

با توجه به اینکه در مدت تحت‌نظر، همانند وضعیت بازداشت موقت، آزادی فرد سلب می‌شود، بر پایه اصل آزادی اشخاص، لازم است مدتی به‌عنوان نگهداری تحت‌نظر تعیین شود. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ بازداشت متهم را به مدت ۲۴ ساعت، یک حق برای ضابطان دانسته است. با وجود این، موضوع در نظام کنونی نهادینه نشده (آشوری، ج ۸۱، ۱۳۹۱، ۲) و متهم فاقد حقوق دفاعی در این مرحله است. قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای ترافعی کردن تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت‌نظر، نوآوری‌هایی را پیش‌بینی کرده است. بی‌تردید، این مقررات به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام محدودکننده سلب آزادی بدون نظارت مقام

قضایی و نیز پرهیز از اعمال سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت نسبت به مظنون و متهم تصویب شده است. در همین چارچوب است که ماده ۴۹ این قانون، ضابطان را به اعلام مشخصات سجلی، شغلی، نشانی و علت تحت نظر قرار گرفتن متهم به هر شکل ممکن به دادسرای محل ملزم کرده است. دادستان هر شهرستان نیز به نوبه خود با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌کند و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان شکل ثبت شود.

افزون بر این، اقدام‌های ضابطان باعث می‌شود که والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت نظر بتوانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن این شخص آگاهی یابند. بر پایه ماده ۵۲ این قانون، «ضابطان دادگستری مکلف‌اند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است در صورت مجلس قید کنند و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلف‌اند تاریخ و آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند».

سرانجام، ماده ۳۳ به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان و در راستای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی افراد تحت نظر و همچنین نقض موازین حقوق اسلامی و انسانی (کرامت ذاتی انسانی)^۱ بر بازرسی واحدهای مربوط، حداقل هر دو ماه یک بار تأکید کرده است. برخی از حقوق اساسی دیگری که برای متهم در این مرحله پیش‌بینی شده عبارت‌اند از آگاه کردن افراد خانواده یا آشنایان از تحت نظر بودن خود با تلفن یا هر وسیله دیگر (ماده ۴۹) و حق معاینه پزشکی متهم (ماده ۵۱).

۲. محدود شدن استفاده از قرار بازداشت موقت

قرار بازداشت موقت به منظور انجام دادن تحقیقات مقدماتی، شدیدترین قرار تأمین است که ممکن است از سوی بازپرس صادر شود. این بازداشت با توجه به اینکه مغایر اصل برائت است موارد صدور آن باید محدود شود. از این رو، در بسیاری از کشورها از جمله فرانسه، به منظور

۱. ن. ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۸). رویکرد جرم‌شناختی قانون «حقوق شهروندی». مجموعه مقالات همایش حقوق شهروندی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ص ۱۳.

جلوگیری از بازداشت اشخاص، صدور این قرار، بسیار محدود شده و قرارهای نظارت قضایی جانشین آن شده‌اند.

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز در این چارچوب و با هدف جلوگیری از بازداشت متهمان، نوآوری‌هایی را پیش‌بینی کرده است. در وهله نخست، قرار بازداشت موقت اجباری به کلی از میان رفته است و نه تنها بازپرس در هیچ موردی ملزم به صدور قرار بازداشت موقت نیست، بلکه به منظور رعایت آزادی و امنیت اشخاص و احترام به اصل برائت، قانونگذار، اصل را بر آزادی متهم قرار داده است. ماده ۲۳۷ در این باره مقرر می‌دارد: «صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست مگر در مورد جرائم زیر که دلایل، قرائن و امارات کافی بر توجه اتهام به متهم دلالت کند:

الف - جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا قطع عضو و در جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی، جنایاتی که میزان دیه آن‌ها ثلث دیه کامل مجنی علیه یا بیش از آن است.

ب - جرائم تعزیری که درجه چهار و بالاتر است.

پ - جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور که مجازات آن‌ها درجه پنج و بالاتر است.

ت - ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال و تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص که به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه انجام شود.

ث - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، خیانت در امانت، جعل یا استفاده از سند معجول در صورتی که مشمول بند (ب) این ماده نباشد و متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی به علت هریک از جرائم مذکور باشد...».

بدین‌سان، بازپرس در صورتی حق دارد قرار بازداشت موقت صادر کند که جرم ارتكابی مشمول یکی از این بندها بوده و سایر شرایط پیش‌بینی شده در ماده ۲۳۸^۱ نیز فراهم باشد. افزون بر این، تبصره ماده ۲۳۷ موارد صدور قرار بازداشت موقت اجباری را که به‌موجب شماری از قوانین خاص پیش‌بینی شده بود (به‌استثنای قوانین مربوط به نیروهای مسلح) لغو کرده است. بدین‌سان، قانون جدید از دامنه صدور قرار بازداشت موقت کاسته و موارد قرار بازداشت موقت را تنها در قانون آیین دادرسی کیفری مشخص کرده است.

۱. بر پایه مقررات این ماده، این شرایط عبارت‌اند از: الف - آزادبودن متهم، موجب ازبین‌رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد یا سبب شود شهود از ادای شهادت امتناع کنند. ب) بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر، نتوان از آن جلوگیری کرد. پ) آزادبودن متهم، محل نظم عمومی، موجب به‌خطرافتادن جان شاک، شهود یا خانواده آنان یا خود متهم باشد.

در وهله دوم، مقررات جدید، به منظور حفظ حقوق و آزادی‌های اشخاص، قرارهای جانشین بازداشت موقت را گسترش داده تا امکان استفاده از صدور قرار بازداشت موقت محدود شود. به موجب ماده ۲۱۷ این قانون، «به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده برای جبران ضرر و زیان وی، بازپرس پس از تحقیق در صورت وجود دلایل کافی و پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام پ - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با تعیین وجه التزام ت - التزام به عدم خروج از حوزه قضائی با قول شرف ث - التزام به معرفی نوبتی خود به صورت هفتگی یا ماهانه به مراجع قضائی یا انتظامی با تعیین وجه التزام ج - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا نیروهای مسلح، به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آن‌ها از سوی سازمان مربوطه چ - التزام به عدم خروج از منزل یا محل اقامت تعیین شده با موافقت متهم با تعیین وجه التزام از طریق نظارت با تجهیزات الکترونیکی یا بدون نظارت با این تجهیزات ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الکفاله خ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول و - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی».

در وهله سوم، قرارهای نظارت قضایی برای نخستین بار در نظام حقوقی ایران و با هدف «اصلاح و درمان متهم» پیش‌بینی شده‌اند. بر پایه ماده ۲۴۷، مقام قضایی می‌تواند «متناسب با جرم ارتكابی»، در کنار صدور قرار تأمین کیفری، قرار نظارت قضایی را برای مدت معینی صادر کند. بدین سان، مقام قضایی مجاز خواهد بود که در کنار قرارهای تأمین کیفری ده‌گانه مورد اشاره در ماده ۲۱۷، در صورت صلاح‌دید به صدور قرار نظارت قضایی اقدام کند. در این قانون، نظارت قضایی برخلاف حقوق فرانسه که نهادی مستقل و جانشینی برای بازداشت موقت است، تدبیری تکمیلی و فرعی در کنار سایر قرارهای تأمین کیفری است.^۱

۳. حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت

قانون آ. د. ک ۱۳۹۲ حق متهم برای جبران خسارت مدت بازداشت موقت بی‌دلیل را به رسمیت شناخته است. بر پایه ماده ۲۵۵، «اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی

۱. برای مطالعه بیشتر، ن. ک: تدین، عباس (۱۳۹۱). قرار نظارت قضائی در فرایند دادرسی کیفری ایران و فرانسه. دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان، ۳۸۳.

به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر می‌شود، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را از دولت مطالبه کنند». نظر قانونگذار با به کارگیری عبارت «جریان تحقیقات مقدماتی»، لزوم جبران خسارت از متهمانی است که بی‌گناهی آنان پس از یک دوره بازداشت موقت مشخص شده یا در این مرحله، قرار منع تعقیب آنان صادر می‌شود.

افزون بر این، قانونگذار به منظور تسریع در جبران خسارت مدت بازداشت، درخواست رسیدگی به درخواست شخص بازداشت‌شده را به کمیسیون استانی تشکیل شده از سه دادرس دادگاه تجدیدنظر واگذار کرده است. به تصمیم این کمیسیون می‌توان در کمیسیون ملی جبران خسارت اعتراض کرد (ماده ۲۵۸).

به نظر می‌رسد که جبران خسارت مدت بازداشت، فقط شامل قرار بازداشت موقت می‌شود و مواردی دیگری را که به بازداشت متهم انجامیده است شامل نمی‌شود. بنابراین، در مواردی که سلب آزادی متهم به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه به‌ویژه در مواردی که متهم موجبات صدور این قرارها را فراهم آورده باشد، حق جبران خسارت وجود نخواهد داشت.^۱ در تأیید این نظر می‌توان گفت که چنانچه بازپرس پس از تفهیم اتهام، دفاع‌های متهم را ناموجه تشخیص دهد، باید قرار تأمین کیفری (مانند کفالت یا وثیقه) صادر کند. گرفتن این تصمیم از سوی بازپرس به‌ویژه در مواردی که بازداشت شخص (به دلیل ناتوانی از معرفی کفیل یا ارائه وثیقه) ناشی از خودداری در ارائه اسناد، مدارک و دلایل بی‌گناهی خود باشد، موجه تشخیص داده می‌شود (بند الف ماده ۲۵۶). بدین ترتیب، چنانچه متهم در ادامه جریان تحقیقات مقدماتی، دلائل و قرائنی ارائه دهد یا ضمن آخرین دفاع، مطالبی بیان کند که بی‌گناهی وی را ثابت کند و بازپرس در این مرحله، قرار منع تعقیب صادر کند، این تصمیم را نمی‌توان مستند مطالب خسارت مدت بازداشت از دولت دانست.

مقرره‌های مربوط به جبران خسارت بازداشت موقت در قانون جدید ابهام‌هایی نیز دارد. نخست اینکه آیا اشخاصی که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی به هر علت بازداشت می‌شوند و از سوی مراجع قضائی قرار موقوفی تعقیب آنان به علت مرور زمان، جنون،

۱. برای دیدن نظر مخالف، ن.ک: کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۱). بررسی مهم‌ترین نوآوری‌های «حمایتی» و «سازمانی» قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی. *دائرةالمعارف علوم جنائی*، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان، ص ۵۰۲.

عفو... صادر می‌شود می‌توانند خسارت مدت بازداشت را از دولت درخواست کنند؟ پاسخ منفی است زیرا در صدور قرار موقوفی تعقیب، برخلاف قرار منع تعقیب یا حکم برائت، اظهار نظر ماهوی صورت نگرفته و نمی‌توان شخص را مستحق جبران خسارت دانست.

دوم اینکه، در مواد ۲۵۵ به بعد قانون، سخنی از تکلیف مقام‌های قضائی به ابلاغ حق جبران خسارت مدت بازداشت به ذی‌نفع، نشده است. با توجه به مفاد ماده ۶ همین قانون که حق آگاهی متهم از حقوق خود را در فرایند دادرسی ضروری دانسته است، تردیدی در تکلیف مقام‌های قضائی در آگاه کردن ذی‌نفع از این حق وجود ندارد. بنابراین، در صورت آگاه‌نشدن شخص بازداشت‌شده از این حق، وی می‌تواند جبران خسارت خود را حتی پس از ۶ ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی، حاکی از بی‌گناهی خود به کمیسیون استانی ارائه کند.

سوم، با توجه به تجربه شماری کشورها از جمله فرانسه درباره جبران خسارت شخص بازداشت‌شده، رسیدگی به درخواست ذی‌نفع در کمیسیون‌های جبران خسارت باید علنی و توافقی بوده و تصمیم‌های کمیسیون در این باره باید مستدل باشد.

نتیجه

تحولات مربوط به وضعیت متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی در چهار محور اساسی دادرسی منصفانه در حال شکل‌گیری است: برابری با سایر طرف‌های دعوای کیفری، تضمین آزادی‌های فردی، اصل برائت و حقوق دفاعی. این تحولات، هدف آیین دادرسی کیفری در نظام حقوقی ایران را تغییر داده است. اگر مدت‌ها هدف آیین دادرسی کیفری از گذر افزایش اختیارات بازپرسان و دادیاران، تحقیق کشف بهتر حقیقت بود، در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ این هدف به سوی ایجاد توازن میان حقوق و آزادی‌های فردی و الزام‌های نظم و امنیت عمومی گام برداشته است.

با این حال، این پرسش مطرح می‌شود که آیا تقویت حقوق دفاعی متهم در پاره‌ای از موارد به برهم خوردن این تعادل به سود متهم نمی‌انجامد؛ به‌ویژه آنکه تضمین‌های مربوط به حقوق متهم، تنها یکی از هدف‌های آیین دادرسی کیفری است و تنها هدف یا هدف اصلی آن نیست. بی‌تردید، قانون آیین دادرسی کیفری، تحولاتی را در مورد حقوق متهم ایجاد کرده است. ولی در این باره باید به چند نکته توجه داشت. در مورد مرحله تحت نظر، ضابطان دادگستری پس

از تحت نظر قراردادان اشخاص، مکلف به تفهیم حقوق آنان از قبیل حق تماس تلفنی با بستگان و حق ملاقات با وکیل شده‌اند. پیش‌بینی این حقوق بدون وجود سازوکارهای لازم می‌تواند مشکلات بسیاری را در عمل برای دادسرا و به‌ویژه ضابطان در پی داشته باشد زیرا در شرایطی که هیچ مقرراتی وکیل شخص تحت نظر را از دادن اطلاعات مربوط به مطالعه صورت جلسات پرونده تحقیقاتی به اشخاص دیگر (شرکا و معاونین) منع نمی‌کند، ضابطان را در انجام تحقیقات خود و کشف جرم با مشکل روبه‌رو می‌کند.

در مرحله تحقیقات مقدماتی نیز، وکیل متهم، حق دخالت فعال دارد و از حق دسترسی به پرونده کیفری به همراه موکل خود در تمامی مدت مرحله تحقیقات مقدماتی بهره‌مند شده است. بی‌تردید، شخص متهم می‌تواند با مطالعه پرونده از هویت شهود پرونده آگاه شده و در موارد لزوم، آنان را تحت فشار قرار دهد. به این ترتیب، آیا امکان مطالعه پرونده کیفری توسط متهم - نه وکیل او - احساس ناامنی شهود پرونده را در پی نخواهد داشت؟

هدف آیین دادرسی کیفری از یک سو تضمین دفاع از جامعه در برابر جرم و از سوی دیگر، رعایت حقوق افراد (بزه‌دیده و متهم) در فرایند رسیدگی کیفری است. اگرچه نظام تفتیشی در مرحله تحقیقات مقدماتی به‌طور سنتی مدت‌ها این توازن را به سود حقوق جامعه برهم زده است، آیا زیاده‌روی در مورد پیش‌بینی برخی حقوق متهمان، بدون در نظر گرفتن سازوکارهای لازم برای اجرای آن، سنجیده است؟

از سوی دیگر، برخی تحولات مثبت کشورهای دیگر که به توافقی شدن مرحله تحقیقات مقدماتی و تساوی سلاح‌ها بین طرف‌های دعوا در این مرحله انجامیده مورد نظر قانونگذار قرار نگرفته است. برای نمونه، در موارد رد درخواست متهم برای انجام اقدام یا تحقیقی که به کشف حقیقت کمک می‌کند (تحقیق، معاینه محل، کارشناسی و...)، باز پرس به صدور قرار مستدل که بتوان در مرجع بالاتر به آن اعتراض کرد ملزم نشده است.

موفقیت در اجرای مقررات جدید، نیازمند رفع پاره‌ای از موانع و مشکلات است. نخست، قانونگذار در مورد تحولات مورد اشاره از حقوق مقایسه‌ای و دستاوردهای آن به‌ویژه نظام حقوقی فرانسه، استفاده بسیاری کرده است. ولی استفاده از مطالعات مقایسه‌ای می‌تواند با چالش‌های بسیاری همراه باشد. در این باره می‌توان به مشکلات زبانی به‌ویژه هنگامی که با توجه به واژگان خارجی معانی متفاوت آن‌ها آشکار می‌شود اشاره کرد. همان‌گونه که مارک آنسل

حقوق دان برجسته فرانسوی تأکید کرده است، در پژوهش‌های مقایسه‌ای باید ویژگی‌های تخصصی نظام‌های حقوقی و واقعیت‌های جامعه‌شناختی را که مبنای آن‌ها را تشکیل می‌دهد مورد توجه قرار داد (آنسل، ۱۳، ۱۳۹۱). در واقع، آیین دادرسی کیفری، ترجمان فرهنگ یک کشور است و نمی‌توان یک نهاد خارجی را به‌طور کامل وارد نظام حقوقی خود کرد بلکه تنها می‌توان به پاره‌ای از تجربه‌های سایر کشورها رجوع کرد. (پرادل، ۵۴۹، ۱۳۹۲)

دوم، جامعه عمل‌پوشاندن به این نوآوری‌های قانونی نیازمند سازوکارهایی است که نسبت به ایجاد آن‌ها هنوز توجه کافی نشده است. تصویب بودجه مناسب در راستای تعیین و کیل رایگان برای متهمانی که توان مالی مناسب برای انتخاب و کیل ندارند، پیش‌بینی صندوق جبران خسارت مدت بازداشت شخص بی‌گناه، تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط، آموزش ضابطان با هدف آشناساختن آنان با نوآوری‌های قانون جدید، ایجاد فرهنگ‌سازی برای ضابطان و مقام‌های دادسرا در راستای پایبندی به قانون‌مندی و پرهیز آنان از اجرای این نوآوری‌ها، شرط موفقیت نهادهای آیین دادرسی کیفری است. (آشوری، ۱۲، ۱۳۹۲).

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ بی‌تردید، گام‌های مهمی را در راستای رعایت حقوق و آزادی‌های فردی و کرامت انسانی به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی برداشته است. این تحولات، چیزی جز رعایت موازین حقوق بشری مندرج در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به‌ویژه میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ و اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیست که به‌موجب آن، کنشگران فرایند کیفری به رعایت اصول دادرسی منصفانه و تأمین حقوق دفاعی متهمان مکلف می‌شوند. در واقع دل‌نگرانی رعایت کرامت انسانی شهروندان در دادگستری در مراحل مختلف فرایند رسیدگی کیفری به‌ویژه در مرحله تحقیقات مقدماتی موجب تصویب این مقررات توسط قانونگذار شده است.

منابع

- آشوری، محمد. (۱۳۹۲). آیین دادرسی کیفری. جلد ۱، چاپ هفدهم، تهران: سمت، _____ (۱۳۹۲). آیین دادرسی کیفری. جلد ۲، چاپ هفدهم، تهران: سمت.
- _____ (۱۳۹۲). عدالت کیفری (۲). مجموعه مقالات، چاپ اول، تهران: دادگستر.
- آنسل، مارک. (۱۳۹۱). دفاع اجتماعی. ترجمه: محمد آشوری، علی حسین نجفی ابرندآبادی، ویراست چهارم، تهران: گنج دانش.
- پرادل، ژان. (۱۳۹۲). درآمدی بر آیین دادرسی کیفری تطبیقی. ترجمه: محمد مهدی ساقیان، دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان.
- تدین، عباس. (۱۳۹۲). قرار نظارت قضائی در فرایند دادرسی کیفری ایران و فرانسه. دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان.
- شاملو احمدی، محمدحسین. (۱۳۸۴). پیرامون دادرسی. چاپ اول، تهران: دادیار.
- کوشکی، غلامحسین. (۱۳۹۲). بررسی مهم ترین نوآوری های «حمایتی» و «سازمانی» قانون آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی. دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان.
- موذن زادگان، حسنعلی. (۱۳۹۱). مطالعه تطبیقی وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری در مقررات کنونی و لایحه آیین دادرسی کیفری. دائرة المعارف علوم جنائی، کتاب دوم، چاپ نخست، تهران: میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). رویکرد جرم شناختی قانون حقوق شهروندی. مجموعه مقالات حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- نیازپور، امیرحسن. (۱۳۹۲). حق متهمان مبنی بر داشتن وکیل در فرایند کیفری؛ جلوه ای از حقوق شهروندی. مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸.
- Guinchard, S, et Buisson, J., procedure penale. 8ed. Paris, 2012.
- G.Cornu, vocabulair juridicaue, paris, 2008.
- pradel J, Les personnes suspects ou poursuivies aores la loi du 15 juin 2000, Dalloz, 2001, N14.
- Pradel, J. La protection de la pesonne en France depuis en France depuis les reformes de procedure penale en 1993, in. la Revue juridicaue themis, n1. 1995.